

هم‌نهادی فرهنگ معماری ایران و شبه‌قاره هند در عصر گورکانیان

محمدرضا پورجعفر

رئیس دانشگاه هنر و عضو گروه معماری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

ارتباط متقابل معماری ایران و هند را به‌طور کلی در دو عصر قبل از اسلام و بعد از اسلام می‌توان مورد بررسی قرار داد. در قبل از اسلام از زمان حرکت قوم آریایی از ایران به‌طرف شبه‌قاره تا حکومت هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان هنر معماری شبه‌قاره هند به‌دلیل ارتباطات سیاسی، اجتماعی، تجاری، فرهنگی و گسترش دامنه حکومت دوره‌های مذکور تا شبه‌قاره هند، از هنر و معماری ایران بی‌بهره نماند. شباهت ستون آشوکا به ستونهای هخامنشی و کاخهای ستون‌دار، معماری معابد دره بامیان و آثار هنری غاز آجانتا، که نشانه‌هایی از هنر اشکانیان و ساسانیان را منعکس می‌نماید، همه، دلایل فیزیکی آشکاری از این ارتباطات هستند.

دوره بعد از اسلام، با حضور اعراب مسلمان بر دره سند در ۷۱۱ میلادی، که دوام چندانی نداشت، آغاز می‌شود. سپس غزنویان ارتباطاتی در قرون ده و یازده میلادی با هند داشتند. بعدها غوریان در قرون دوازده و سیزده در آنجا مستقر و آثاری چون مسجد قوت‌الاسلام و منار قطب را بنا نهادند. دوره سلطنت، دهلی ایالتی در قرن سیزده، دوره متعلق در قرون سیزده و چهارده و دوره لودی، گجرات، سور، مالوا، شیرشاه و سلطنتهای دکن در قرون پانزدهم و شانزدهم و باربدشاه در

بیدار و عادل‌شاه در بیجارپور و قطب‌شاهی در گل‌کندا در قرون چهارده تا هفدهم همه مسلمانانی هستند که کم‌وبیش از فرهنگ ایرانی اسلامی و هنر معماری مربوط تأثیر گرفته‌اند و آثار بسیاری را بنیان گذاشتند.^۱ به طوری که مسجد جامع بیجارپور را معماری از قزوین بنا کرده است و ذوق و سلیقه ایرانی در بسیاری از آثار معماری بسیار محسوس است.^۲

سپس شاهد عصر معروف به مغول (۱۸۵۷-۱۵۲۶م) هستیم که با بابر آغاز شد و پس از او همایون بر مسند حکومت نشست. این دوران با دوره صفویه در ایران مقارن بود. همایون شاه پس از شکست به دربار شاه طهماسب صفوی پناهنده شد و ایرانیان به او کمک کردند که حکومت از دست‌رفته خود را بازیابد. همایون هنرمندان بسیاری را از ایران به هند برد که تأثیر به‌سزایی بر هنر معماری آن دیار گذاشت.

پس از همایون، اکبر (۱۶۰۳-۱۵۲۶م) زمام امور را به‌دست گرفت و غیاث‌الدین را، که از شخصیت‌های فهیم ایرانی بود، در دربار خود به کار گماشت. از آثار به‌جای مانده از آن دوران، قلعه بسیار زیبای فتح‌پوری سیکری و مقبره او را در سکندرا می‌توان نام برد. بسیاری از تزئینات داخل مقبره اکبر، سرشار از ذوق و هنر ایرانی است. پس از اکبر، جهانگیر (۱۶۱۶-۱۶۰۵م) و پس از او پسرش شاهزاده خرم (شاه جهان) بر مسند حکومت نشست که همسرش (نورجهان) و وزیر دربارش ایرانی بودند. به‌طور کلی، دوران گورکانیان هند خصوصاً زمان اکبر و شاه جهان را می‌توان عصر طلایی توسعه معماری «اسلامی- ایرانی- هندی» در شبه‌قاره نام نهاد که در همین زمان، آثاری چون تاج محل (مقبره همسر ایرانی تبار شاه) خلق شد که از آثار زیبای معماری جهان محسوب می‌شود.^۳

در این مقاله، پس از تعیین عوامل تأثیرگذار، به‌جهت بررسی تحلیلی، معیارهای طراحی معماری مشابه از نمونه‌هایی چون مسجد جامع دهلی، آرامگاه همایون، مقبره اکبرشاه و تاج محل در شبه‌قاره و آثار مشابهی در ایران استخراج و به نمایش گذاشته شده است.



تأثیر فرهنگ ایرانی در دربار گورکانیان هند

بابر، بنیان‌گذار سلسله مغول در هند از طایفه مغولان ایران (از مادر با چنگیزخان و از پدر با تیمور نسبت داشت).^۴ اولین فردی بود که موجب تشکیل حکومت در شبه‌قاره هند شد. وی با فرهنگ و هنر و معماری ایرانی بسیار آشنا بود. همایون که پس از او به پادشاهی رسید به علت شکست در جنگ چند سالی در زمان شاه طهماسب صفوی در ایران پناهنده و با فرهنگ ایرانی کاملاً آشنا شد. او با پیروزی مجدد و استقرار در هند تعدادی از هنرمندان ایرانی را با خود به آنجا برد. طرح مقبره همایون که بسیاری معتقدند الگوی طرح تاج محل است از طرح گنبد سلطانیه متأثر است که مورد بازدید همایون هم قرار گرفته بود. طرح آرامگاه همایون براساس طرح چهارباغی و هشت بهشت برپا شد. در این دوران، پیروی از الگوی کمابیش واحد در ایران و هند دیده می‌شود.^۵

اهمیت و نقش ایران در شکل‌گیری فرهنگ و هنر گورکانی چنان بود که مدیحه‌سرایان در وصف یکی از افراد عالی‌رتبه، که از حامیان مهم معماری بود، می‌گفتند که وی هندوستان را به ایران تبدیل کرده است.^۶

در زمان پادشاهی اکبر (فرزند همایون) میرزا غیاث‌الدین از ایران به هند عزیمت و در دربار اکبرشاه کار کرد. او پدر آصف‌خان ملقب به اعتمادالدوله بود که در دربار جهانگیرشاه کار می‌کرد و در زمان شاه‌جهان سمت صدراعظمی دربار را داشت. اعتمادالدوله پدر ارجمند بانو (ملقب به تاج محل) و همسر شاه‌جهان بود. از طرفی دیگر، نورجهان همسر جهانگیرشاه هم دختر غیاث‌الدین ایرانی بود. روایت شده است که قدرت واقعی حکومت در دست این بانوی ایرانی قرار داشت.^۷ در عصر شاه‌جهان، پایتخت جدید او شهر شاه‌جهان‌آباد (دهلی قدیم) نیز با اقتباس از طرح اصفهان در عصر شاه عباس طراحی و اجرا شد.^۸

بدین ترتیب، درمی‌یابیم که ایرانیان جزء افراد تراز اول در عصر اکبرشاه، جهانگیر و شاه‌جهان بودند و فرهنگ ایرانی در این دوران کاملاً رواج داشته است.

تجلی هنر معماری و باغسازی ایران در هند

به منظور بررسی تأثیر به سزای هنر معماری و باغسازی ایران بر هند به ارتباط گورکانیان با صفویه و حضور ایرانیان در دربار آنها و ارتباط خانوادگی با اکبرشاه، جهانگیر و شاه جهان اشاره شد. اظهارات محققان ایرانی و خارجی چون حسین سلطانزاده، مجتبی انصاری، تیتوس بورکهارت، جیرا بهوی (R. A. Jairabhoi)، اس هاندا (S. C. Handa)، جی. سی. هارل (J. C. Harel)، ابا کوخ (ebba koch)، ب. ب. گارگ (B. B. Garg)، آر. جی. ایروینگ (R. G. Irving)، م. هالاید، ارنست کونل (E. Kuhnel)، بیراج بوس (Biraj Bose) نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم اقتباس از طراحی معماری و باغسازی ایرانی به عصر گورکانیان را بیان می کند.

«پس از تجدید حیاط باغسازی در دوره تیموری و همزمان با دوره صفوی امرای گورکانی حاکم بر هند (بابر، همایون، اکبرشاه، جهانگیر و شاه جهان) با ترویج فرهنگ، ادب و معماری ایرانی سنت باغسازی ایرانی را با سبک خاصی توسط هنرمندان ایرانی بنیان نهادند.^۹ طرح باغ ایرانی، براساس توجه خاصی به هندسه و کاربرد پلان مربع یا مستطیل شکل و تقسیم آن به چهار قسمت (چهار باغ) خیابانهای عمود بر هم کاملاً در طراحی مجموعه تاج محل اقتباس گردیده است.^{۱۰}»

مجموعه های آرامگاه همایون در دهلی و تاج محل در آگرا نوعی باغ- مقبره هستند. از این گونه طراحی از دیرباز در ایران استفاده می شده است، که مقبره کورش در پاسارگاد نمونه مشهود آن است. از این الگو پس از ورود اسلام نیز استفاده می شد. گردش آب در این باغها از اهمیت ویژه ای برخوردار است (مقبره شاه نعمت الله ولی). این الگوها به صورت توسعه یافته ای در هندوستان نیز به کار می رفت.^{۱۱}

باغهای شالیمار، چشمه شاهی و نشاط از جمله باغهایی است که براساس طرح چهارباغ ایرانی در سرینگر، مرکز کشمیر، طراحی و اجرا شده است.

فرهنگ معماری مشابه

بررسی و مطالعه واژه‌های مورد استفاده در فرهنگ معماری عصر گورکانیان هند خود بیان‌کننده ارتباط متقابل و مشابهت فرهنگ معماری ایران و هند در آن زمان است. برخی از این واژه‌ها حتی در ادبیات انگلیسی نیز به کار رفته‌اند. کتب و مقالات تهیه شده به زبان انگلیسی به‌ناچار این واژه‌های فارسی را عیناً به کار برده‌اند. مسلمانان و اهالی مناطقی که بناهای عهد مغول در آنجا بسیار است هنوز که هنوز است این واژه‌ها را به‌طور معمول استفاده می‌کنند. ابا کخ نیز در بخش فهرست لغات تخصصی کتاب خود (معماری مغول، Glossary) به این واژه‌ها نیز اشاره کرده که عبارت‌اند از: آرامگاه، باغ، ستون سرو اندام، برادری، برکه (آب انبار)، چهارباغ، چهارسو، چتری، جلوخانه، چهل‌ستون، طاقچه، دفترخانه، دولت، خانه، خاص و عام، دیوان، دیوان عام، دیوان خاص، گز، گلدسته، گنبد، حمام، هشت بهشت، پیشتاق، ایوان، حوض، حجره، عیدگاه، ازاره، مسجد جامع، کاروانسرا، خلوتگاه، خیابان، مدرسه، محل، مقبره، مرقد، میهمان‌خانه، مهندس، منبت‌کاری، مقرنس، نقشه، نمازگاه، نشیمن، نوبت‌خانه، نقارخانه، پرچین‌کاری، قالب‌کاری، قنات، قرینه، فیصریه، قبله، روضه، صحن، شش‌محل، تخت‌گاه، صوفی، تالار، تنبیه‌خانه، طاق، طرح وکیل، وزیر.^{۱۲}

مشابهت در تصمیم‌گیری‌های عمرانی

در عصر گورکانیان اهمیت زیادی به امکانات و نیازهای عمومی شهروندان همچون پل‌سازی (پل منع‌خان در جنگ پورا در ۱۵۷۰ میلادی) و شاهراهها داده می‌شد. بر این اساس، همچون عهد صفویه چاهها و آب‌انبارها و کاروانسراهای بسیاری ساخته شد.

مناره‌هایی به‌منظور نه فقط نشانه بلکه به‌عنوان یادبود شکارهای امپراتور براساس نمونه ایرانی بنا می‌شدند.^{۱۳} مانند حیران منار در فتحی‌پوری سیکری، چورمنار در دهلی. از نمونه کارهای جهانگیر درخت‌کاری در کنار راههای بین شهری از آگرا به بنگال است. حفر چاه آب در کنار راه آگرا به لاهور و تعداد بسیاری کاروانسرا نیز در زمان حکومت جهانگیر ساخته شد.

عصر شاه‌جهان «دوران کلاسیک» نامیده شده است. در این دوران، تقارن و هماهنگی در شکل پلان و فرم آثاری معماری به‌خوبی مشاهده می‌شود. قرینه‌سازی چه در طرح ساختمانهای کوچک و چه در مجموعه‌های بزرگ در حول یک محور نسبت به مرکزیت بخشیدن، اولویت داده می‌شد. قالب‌کاری به همین اصطلاح مرسوم شد که در اصل نوعی استاندارد کردن معماری در این دوران است. لازم به ذکر است معماران ایرانی بزرگ چون ملاعیسی شیرازی طراحی پروژه‌های مهمی مانند تاج‌محل را نیز عهده‌دار بودند.

مبانی طراحی استفاده شده در نمونه‌هایی از آثار معماری ایران و هند

مطالعه آثار معماری ایرانی (خصوصاً در عهد صفویه) و بسیاری از آثار معماری دوره گورکانیان در شبه‌قاره، بیان‌کننده تأثیر متقابل معماری این دوران یا بهتر است بگوییم بیان‌کننده سیر تکاملی معماری ایرانی اسلامی در شبه‌قاره است. بدین‌منظور، آثاری چون باغ فین در کاشان، چهل‌ستون در اصفهان، مقبره شاه نعمت‌الله ولی، باغ گلشن در طبس، باغ ارم در شیراز، تاج‌محل در آگرا، مقبره همایون در دهلی، مقبره اکبر در سکندرا و باغهای متعدد در کشمیر و همچنین مساجد جامع شهرهای دهلی و آگرا مطالعه شده که اصول و مبانی طراحی مشترک این آثار فهرست‌وار به‌شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱- موقعیت بنا: به‌جهت استقرار مجموعه، محیطی سرسبز و در کنار رودخانه یا جایی که جریان آب وجود داشته است را ترجیح می‌دادند.
- ۲- طراحی پلان: در طراحی پلان باغ و عمارت آن به اصولی چون تقارن، مرکزیت، عرصه‌بندی، شبکه هندسی و ایده طراحی افقی (Horizontality) توجه خاص مبذول داشته‌اند.
- ۳- ابعاد طراحی شهری: در طراحی مجموعه به ارائه سلسله مراتب مناظر و در نهایت پرسپکتیوی باشکوه اهمیت می‌داده‌اند. توجه به تنظیم مناظری زیبا چه از درون و چه از بیرون مجموعه به طرف بنا و همچنین ایجاد فضاهای نامرئی (به‌کمک مناره‌های اطراف بنا) که به این موضوع به عنوان نوعی توسعه در معماری اسلامی در شبه‌قاره می‌توان اشاره کرد.

۴- معماری منظر: براین اساس، مهم‌ترین نکته، استفاده از طرح چهارباغ است که قبلاً به آن اشاره شد. نحوه درختکاری و ایجاد فضای سبز که ضمن ایجاد تنوع و خرمی و نشاط در طراحی محیط نه تنها جلوی منظره بنای اصلی را نمی‌گیرد بلکه در طول محور اصلی و در جهت ارتقای کلی منظره بنا طراحی و اجرا شده‌اند از دیگر موارد قابل ذکر است. آب‌نماها و آب رودخانه بعد دیگری به ابعاد بصری به صورت انعکاس بنا در آب می‌بخشند و عمق بصری زیبایی مجموعه را ارتقا می‌دهند. فواره‌ها و جویهای آب نیز از خشکی منظره می‌کاهند و پویایی و حرکت را به مجموعه می‌افزایند.

۵- عناصر طرح در بناهای مجموعه: این عناصر از نظامی سلسله مراتبی تبعیت می‌کند که از ایجاد فضای باز، نیمه سرپوشیده (ایوان)، پوشیده، و برعکس تشکیل یافته است به طوری که از دروازه، مجموعه بنای اصلی به طرز زیبایی مشاهده می‌شود.

۶- استواری و ایستایی: این امر در بنا به کمک ترکیبهای هرمی در کل حاصل شده است. ترکیب فضاهای پر و خالی نیز از سنگینی حجم بنای آثار معماری کاسته است.

۷- طراحی نماهای بیرون و داخل بنا: استفاده از اشکال گوناگون، کتیبه‌نویسی، گل و بوته‌های رنگارنگ که نوع خاص آن در تاج‌محل به جای کاشیکاری و معرق‌کاشی از سنگهای قیمتی و به صورت معرق و مرصع کار شده است نوعی توسعه را در هنر اسلامی به نمایش می‌گذارد.

۸- تکنیک ساخت: در ساخت اکثر بناها از شیوه گنبد، طاق، قوس و دیوارهای باربر استفاده شده است.

۹- نورپردازی: نورپردازی از طریق بازشوهای زیبا، شبکه‌های مرمرین و شیشه صورت گرفته است.

۱۰- استفاده از رنگ: رنگ غالب در شبه‌قاره بیشتر رنگ سرخ است. ولی در جزئیات تزئین انواع سنگهای مرمر سیاه، سفید و قیمتی رنگین نیز به کار گرفته شده، درحالی که در ایران بیشتر از کاشی و معرق استفاده شده است.

۱۱- مصالح: مصالح به کار رفته در بناهای اصلی بیشتر ماسه سنگ و سنگ مرمر به جهت روکار و لاشه سنگ و ملاط خاک، ماسه و آهک برای سفت‌کاری است. در تزئینات از سنگهای قیمتی نیز

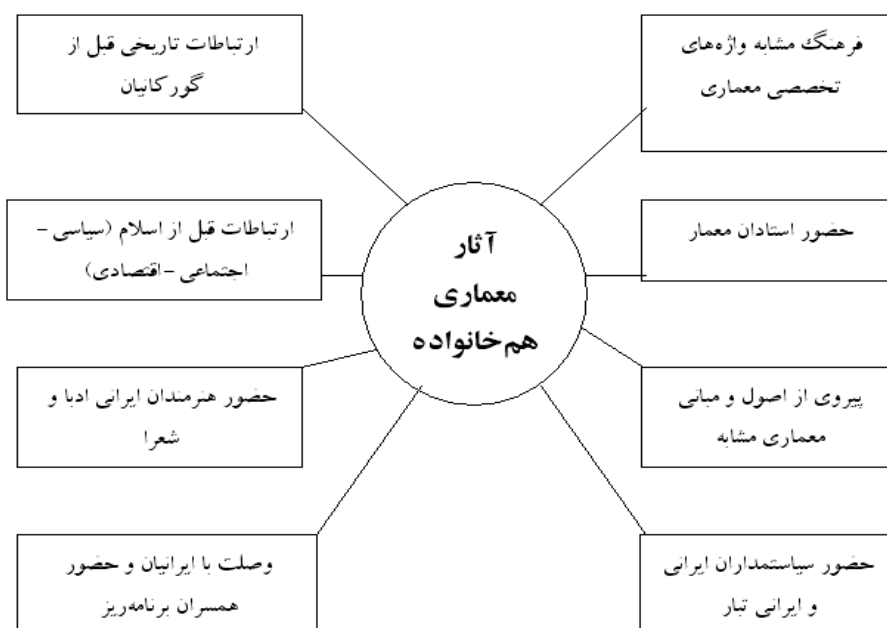


استفاده شده است. از ماسه‌سنگ سرخ رسوبی برای بنای مسجد، مهمانپذیر، آرامگاهها و دروازه‌های ورودی استفاده شده است.

۱۲- توجه به زیبایی در ساعات گوناگون از دیگر مواردی است که بدان توجه و تحت عنوان زیبایی و زمان به آن اشاره شده است. این نکته از طریق سایه و نورهای پدیدآمده از طریق پر و خالیهای ایجاد شده بر روی نماها به دست می‌آید. این حرکت نوعی پویایی در اثر پدید می‌آورد (ضمناً از شرح جزئیات هریک از این موارد برای کوتاه نمودن بحث پرهیز شده است).

۱۳- توجه به اصول گرافیک در ترکیب‌بندی صفحات دیوارها و منارها: به این موضوع در مسجد جامع دهلی به خوبی توجه شده است. خصوصاً خطوط سیاه و سفید و سرخی که بر روی گنبد و مناره‌ها به جهت تأکید ارتقای ارتفاع به خوبی عمل می‌کنند حائز اهمیت است.

۱۴- توجه به اشکال هندسی مربع مستطیل در پلان بناها در اکثر بناهای این دوران. ضمناً تصاویری مربوط به آثار معماری عصر گورکانیان در ارتباط با نکات فوق ضمیمه شده است.



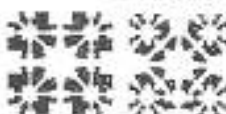
نمودار زمینه‌های ارتباطات متقابل ایرانیان و گورکانیان هند (علتهای خلق آثار هنری در خانواده)





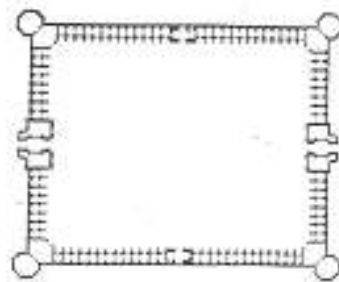
برای درون‌نگار و قسمت‌های
کاشی‌کاری

ایوان که یک‌سده بود از طرف جنوب ساخته شد و در جهت جنوب
میراث از چهار دیوار اصلی بنا شده بود که در جهت جنوب
دیوار شمالی و جنوبی ساخته شد.



در اثر این بنا در زمان شاهنشاهی صفوی در شهر اصفهان
به عنوان نمونه بناهای این طرز و طرز و طرز و طرز
برای کاشی‌کاری ساخته شد که در این طرز و طرز و طرز
ساخته شد و در این طرز و طرز و طرز و طرز

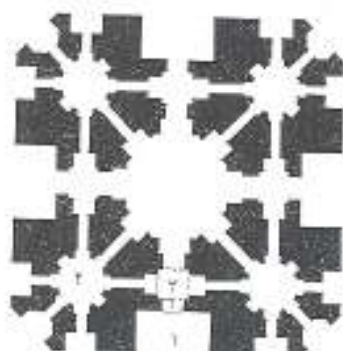
ایوان از طرف شمالی و در جهت جنوب ساخته شد
و این طرز و طرز و طرز و طرز و طرز و طرز
ساخته شد.



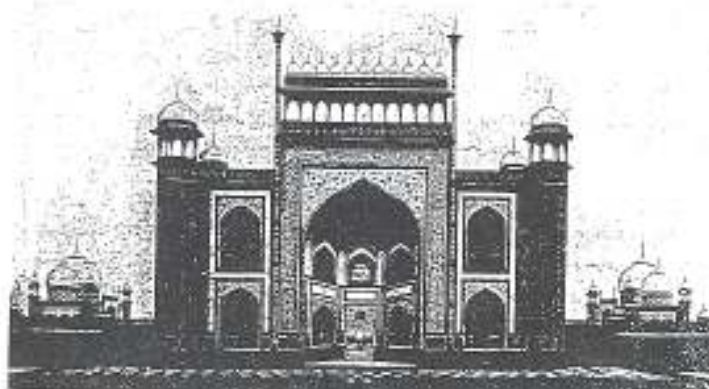
ایوان مرکزی در قسمت‌های دیگر



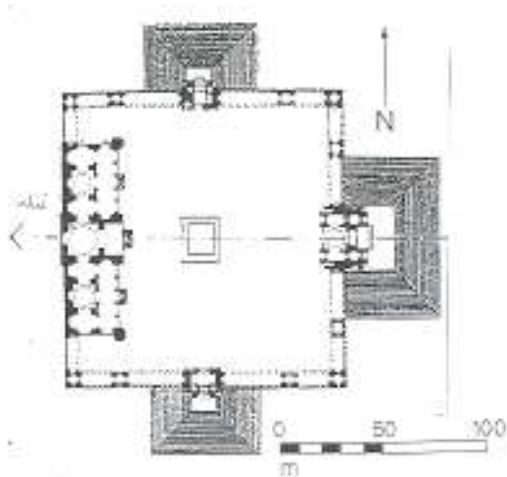
دروازه‌های نمازخانه



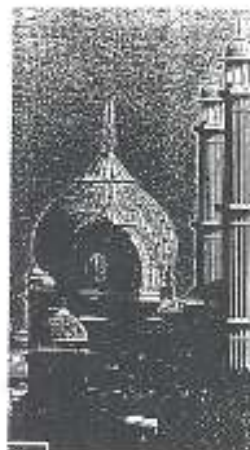
نقشه‌های نمازخانه
در قسمت‌های دیگر



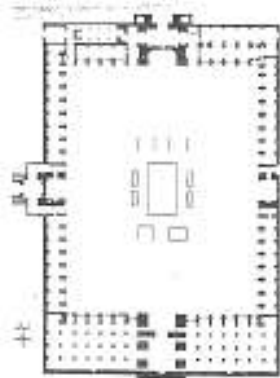
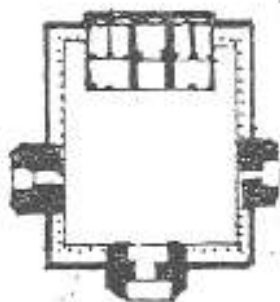
نمازخانه در جهت جنوب و در جهت شمال
این آثار به طرز کلی از یک اصول و مبانی تبعیت کرده‌اند.



پلان مسجد جامع دهلی که شباهت به مسجد سرور در هند می‌تواند



مسجد جامع دهلی



چهاراب مسجد جامع دهلی

فصل معماری



تزیینات سر در ورودی، بسکندرا اکرا



مینار حیران، ۱۵۷۰ - فتحی پوری سیکری



نتیجه‌گیری

آثار معماری عصر گورکانیان از نظر طراحی و ساخت در دنیا معروف و تشعشع زیبایی آن بیش از سه قرن است که خودنمایی می‌کند. این زیبایی در کل حاصل ترکیب متناسب و به‌جای اجزای گوناگون ساختمانها است که تنوع تجربه بصری گوناگونی را در حول محور اصلی و از بیرون مجموعه و در شش جهت به نمایش می‌گذارد. تناسبات زیبا، نحوه تزئین بنا، ایجاد فضاهای نامرئی به کمک مناره‌ها، سیمتری، هارمونی و ریتم و آهنگ کار از یک طرف و ظرافت نحوه انجام کار با مصالح گران‌قیمت از طرفی دیگر، به‌طور کلی بر زیبایی مجموعه آثار معماری دوران صفویه و گورکانیان افزوده است.

به‌طور کلی، آثار این دوران هم برای ارائه ترکیبی زیبا با فاصله‌ای که از ورودی تا بخش اصلی مجموعه در نظر گرفته شده تنظیم گردیده است و هم از فاصله نزدیک چشم هر بیننده‌ای را ساعتها به‌خود مشغول می‌کند (با گل‌بوته‌ها و کتیبه‌هایی از کاشی و معرق سنگهای قیمتی به‌کار رفته در دل مرمر سفید و ماسه و سنگ سرخ). آثار این دوران تجلی‌یافته هنر معماری، نقاشی، خطاطی و طراحی شهری ایرانی اسلامی است، که حاصل سالها تجربه هنرمندان امتی مسلمان در گسترده گیتی و به‌خصوص در ایران و شکوفایی آن در شبه‌قاره هندوستان است. همان‌طوری‌که از بررسی کل آثار و اصول و مبانی به‌کار رفته و روابط خانوادگی و کاری حکمرانان گورکانی و ایرانی برمی‌آید شاید به جرئت بتوان اظهار کرد که دلایل بسیاری بر ارتباط متقابل معماری دلالت می‌کنند. حدود هشتاد درصد از نکات به‌کار گرفته در اصول مبنای طراحی مجموعه آثار گورکانی قبلاً در ایران تجربه شده‌اند. آثار معماری شبه‌قاره در اصل بر شالوده همان تجربیات هنرمندان مسلمان، که حاصل رنسانسی اسلامی است، تجلی و تبلور یافته است. این آثار بیان‌کننده تجربه، تکنیک، تفکر، مدیریت و فرهنگ ملت مسلمان در آغاز قرن هفده میلادی است.

در پایان، چنان‌که از مقایسه اصول و مبانی طراحی برخی از مجموعه‌ها در ایران و در شبه‌قاره هند برمی‌آید آثار معماری خلق شده در عصر گورکانیان و صفویه تجلی و تبلور فیزیکی مکتب هنری معماری «اسلامی ایرانی هندی» است که به غلط در اکثر کتب «معماری مغول» (Mughal Architecture) نامیده شده است.

**پی‌نوشت‌ها**

۱. پورجعفر، محمدرضا، «معماری اسلامی در شبه‌قاره»، گزارش طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶، ص ۳۳-۳۱.
۲. همان، ص ۳۴.
۳. هالاید، م، هنرمند و ایرانی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات موسی، ۱۳۷۶، ص ۷۲.
4. Koch, E., *Mughal Architecture*, Thames & Hudson, Munich, 1991, P. 10.
۵. سلطان‌زاده، حسین، *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۶۴.
۶. همان، ص ۶۳.
7. Koch, E., op.cit, p. 11.
8. Irving, R.G., *Indian Summer*, Yale University, London, 1984, p. 79.
9. Ibid.
۱۰. انصاری، مجتبی، *ارزشهای باغ ایرانی*، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۴.
۱۱. همان، ص ۱۶۹-۱۷۰.
12. Koch, E., op.cit.pp. 137-143.
13. Ibid, p. 67.

منابع تصویری

- استرلین، هنری، *معماری اسلامی هند*؛ دانش‌دوست، یعقوب طیبی، شهری که بود، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
- افشار، ایرج، *گنجینه عکسهای ایرانی*، تهران، نشر فرهنگی ایران، ۱۳۷۱.
- فرخیار، حسین، *بهشتی در حاشیه کویر*، کاشان، هیئت امناء امام‌زاده هادی (ع)، ۱۳۷۵.
- ویلیر دونالد، *باغهای ایران و کوشکهای آن*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- هولتسر، ارنست، *ایران در ۱۱۳ سال پیش*، ترجمه به کوشش محمد عاصیمی، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.
- Gorg, BB. *Arch. And town planning Aspectg of Taj*, Semminar on Taj Mahal C. B. R. I. 1984, p. 15.